

انعکاس

نامه سرگشاده اردشیر صالح‌پور، استاد دانشگاه و پژوهشگر فرهنگ و هنر بختیاری به رئیس صداوسیما

جناب آقای جیلی مدیرعامل محترم سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

با سلام؛

متأسفانه به نظر می‌آید رسانه ملی نسبت به مردمان شریف و اصیل و بختیاری و قوم بزرگ لر که بخش قابل توجهی از جمعیت کشور قلمداد شده و جزء قدیمی‌ترین و وفادارترین اقوام کهن ایران به شمار می‌روند، رفتار و رویه مهربامیزی نداشته و همواره با ساخت سریال‌های غیراصولی و گاه موهن، زمینه دلسردی و نگرانی این تبار شریف را فراهم آورده و متأسفانه این آسیب‌ها همچنان در حال تکرار است.

بی‌شک جناب‌عالی خاطر نگه سریال «سرزمین کهن» را به خاطر دارید که هم پیش از سریال قریب به ۱۰ سال به تعویق افتاد و هم مدبران مربوطه صداوسیما وقت مجبور به غرض‌خواهی از مردان پست این بختیاری‌نشین شدند.

با این اوصاف، گویا چرخ می‌بهری نسبت به تاریخ این قوم دلبز و سلحشور که همواره در راه ایران عزیز جان‌فشانی کرده، بر همان مدار می‌چرخد و آن سازمان‌ها را دیگر بدون همکاری و هماهنگی و عدم بهره‌بردگی مستقیم از پژوهندگان و اصحاب و اولیای فرهنگ، تاریخ و هنر بختیاری اقدام به ساخت سریال «سردار شهید شیرعلی‌مردان» کرده که موجبات نگرانی بختیاری‌ها را فراهم آورده است که بسی میاه تعجب و اندوه و تأسف است!

آقای جیلی، در مثل است که می‌گویند مؤمن کسی است که دو بار از یک سواخ گزیده نمی‌شود! اما اجازه دهید یادآور شوم، مدیران شما گویا اصرار بر آن دارند که زمینه دلخوری قوم بزرگ لر را دیگر بار برانگیخته و اسباب رنجش آنان را به تکرار فراهم آورند. همچنین اجازه دهید این ضرب‌المثل را در تکلمه به شرف‌ایاری‌ها روا کنم: «از تلاطون پشیمان گشته‌ام، مرحمت فرموده ما را بر نمی‌کنید.

به نظر می‌آید اگر آن رسانه طبق روال گذشته نسبت به تاریخ فرهنگ مردمان بختیاری بی‌توجه و کم‌لطف باشد، بهتر از آن است که با ساخت سریال‌های جعلی، غیرواقعی و موهن، موجبات سوءنیتی و انتفاع‌دهای از تهیه‌کنندگان و سازندگان را در اولویت قرار دهد. وانگهی بختیاری اجازه نمی‌دهد دیگران و غیرمتخصصان و ناآگاهان و کسانی که هیچ شناخت، اشراف و تعلق‌خاطری به بختیاری ندارند، برای آثار فیلم و سریال بسازند. قطعاً شما به‌عنوان مدیر رسانه ملی، این حق را به بختیاری‌ها می‌دهید که خود در ساخت، تولید و معرفی تاریخ و فرهنگشان که همواره در جهت حفظ کیان این سرزمین، نقش‌آفرین بوده، بیگانه برای آنان تاریخ‌نویسی و سراسر‌سازی نکنند. هرچند کارنامه درخشش جان‌فشانی آن مردم شریف در راه ایران خود گواهی تاریخی و اسنادی و نیز از سریال‌سازی‌های مدیران شماست.

چهار اطلاع به استحضار می‌رساند که نه تهیه‌کننده و نویسنده و نه

مشاور و نه کارگردان سریال سیرعلی‌مردان بختیاری کهنه و کوجدن‌ترین شناختی نسبت به این فرهنگ و یرعه از تاریخ بختیاری ندارند. همچنین معتقد می‌شود که من نوشته‌شده توسط پژوهشگران و کارگردانان بختیاری‌تبار که خود از استادان و صاحب‌نظران این رشته هستند، مطالعه شده و در حقیقت تاریخی و زیست فرهنگی بختیاری و زندگی واقعی و مبارزات شهید حوزی‌علی‌مردان که همچنان مقودالطین است، در سراسر کارنامه و اندیشه و تیغلیت سینهایی آنان است و با شواهد تاریخی بختیاری تطابق ندارد.

به این وسیله از جناب‌عالی به‌عنوان مقام مسئول و پاسخ‌گو در مقام انتصاف و عدالت اظهار می‌روم نسبت به جلوگیری از تولید و ساختن این سریال فاساد فوری در دستور فرامیاید تا پیش از این موجبات دلسردی و نگرانی قوم لر و بختیاری فراهم نشود.

دروغ‌نویس: جناب آقای دکتر پرتکیان، ریاست محترم جمهوری اسلامی

ایران،

—نماینده‌گان مردمان شریف استان خوزستان، لرستان، اصفهان و چهارمحال‌وبختیاری —
کمسیون مردم مجلس شورای اسلامی

خبر

«دامچی» برنده جایزه ویژه جشنواره ژاپنی شد

فیلم کوتاه «دامچی» به کارگردانی نازنین جیست‌پاز و تهیه‌کنندگی حسن حبیب‌زاده، محصول مرکز فیلم‌های سوره، موفق به کسب جایزه ویژه و برنده زیست از جشنواره بین‌المللی جشنواره Short Films Festival & Asia در کشور ژاپن و این جایزه همواره به‌کارگیری وزارت بهداشت زیست ژاپن و هیئت ژاپن از جوانی محیط زیست (نچیم‌زور) اهدا می‌شود، به اثری تعلق می‌گیرد که پیام محیط‌زیستی آن بیش از دیگر آثار، هنرهای بختی، تاثیرگذار و آگاهی‌بخش ارزیابی شده باشد. «دامچی» به واسطه روایت ظالمانه و انسانی خود در مورد تخریب انبوه و بی‌مسئولیت‌های صنعت گردشگری و آلودگی‌های ناشی از توسعه صنعت گردشگر و به‌ویژه تخریب زیست‌توانست نظر هیئت داوران و مسئولان فرهنگی این رویداد را به خود جلب کند. جشنواره بین‌المللی فیلم Short Films Festival & Asia یکی از مهم‌ترین و معتبرترین جشنواره‌های فیلم کوتاه در آسیاست که تا سال ۱۹۹۹ در زاین برگزار می‌شود. این جشنواره در سال ۲۰۰۴ مورد تأیید رسمی آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا (اسکار) قرار گرفت و آثار برگزیده آن واجد شرایط حضور در رقابت‌های اسکار می‌شوند. در سال ۱۳۸۱ این جشنواره از ۲۶ تا ۲۳ ت ۲۰۱۵ در شهر توکیو برگزار می‌شود و به‌عنوان اهدای جایزه نیز در تاریخ ۱۱ ژوئن برگزار خواهد شد. این جشنواره با هدف کشف استعدادهای نو، ترویج تنوع فرهنگی و حمایت از سینمای مستقل، به نمایش آثار کوتاه در بخش‌های مختلف ازجمله داستانی، انیمیشن، تجربی و محیط زیست می‌پردازد. روبرگرد بین‌المللی و تمرکز آن بر مسائل همچون تغییرات اقلیمی، هویت، عدالت اجتماعی و تکنولوژی، از این جشنواره به‌سری تأثیرگذار برای تعاملات فرهنگی ساخته است. «نجات زمین» (Save the Earth! Minister) (Award) به فیلم کوتاه «دامچی» تعلق گرفت. یکی از جوایز ویژه و ارزشمند این جشنواره است که با همکاری دولت ژاپن و نهادهای محیط‌زیستی آن طراحی شده و بر آثاری تمرکز دارد که با زبان سینما، مسئولیت انسانی در قبال طبیعت و زمین را به تصویر می‌کشد. بخش بین‌الملل این فیلم کوتاه بر عهده مرکز بین‌الملل سوره است.

گفت‌وگو با آزاده صمدی از تجربه زیستن در نقش‌ها تا مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی

من آدم تحمل سکوت در مسئله زن نخواهم بود



بهنازشریانی

آزاده صمدی ازجمله بازیگرانی است که مسیر حرفه‌ای‌اش در دو دهه اخیر، ترکیبی از حضور در جریان اصلی سینما، تلویزیون و تئاتر ایران بوده است. او با نقش غزل در سریال **تلویزیونی «راه بی‌پایان»** به‌طور جدی به مخاطبان معرفی شد و پس از آن **حضور در فیلم‌ها و سریال‌های همچون «آفریقا»، «سزیده»، «طبقه حساس»، «راهیم کن»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «آفتی تهران»، «پنجاد کیلو آلبالو»** و… به مسیرش ادامه داد و چه‌راش را میان عموم مخاطبان تثبیت کرد. در تئاتر اما کارنامه او متنوع‌تر و گسترده‌تر است؛ از نمایش‌های عاشقانه، خانوادگی و اجتماعی گرفته تا اجراهایی که در آنها به تجربه بازی در نقش‌های پیچیده‌تر روی آورده است. او بازیگری که انتخاب کرده هم در آثار عامه‌پسند حضور داشته باشد و هم در آثار جدی‌تر. در این گفت‌وگو، با نگاهي به تازه‌ترین حضور او در صحنه در نمایش «**عزادار**» و **تهیه‌کنندگی نمایش «ورق‌آخیال»**، به مسیر تجربیات شخصی و اجتماعی صمدی نیز پرداخته‌ام؛ از انتخاب نقش‌ها و تلاش‌ی که برای حفظ استقلال حرفه‌ای بر سال‌هایی بر سانسور، حاشیه و کار آثرا داشته است. در ادامه شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

متأسفانه به نظر می‌آید رسانه ملی نسبت به مردمان شریف و اصیل و بختیاری و قوم بزرگ لر که بخش قابل توجهی از جمعیت کشور قلمداد شده و جزء قدیمی‌ترین و وفادارترین اقوام کهن ایران به شمار می‌روند، رفتار و رویه مهربامیزی نداشته و همواره با ساخت سریال‌های غیراصولی و گاه موهن، زمینه دلسردی و نگرانی این تبار شریف را فراهم آورده است که بسی میاه تعجب و اندوه و تأسف است!

آقای جیلی، در مثل است که می‌گویند مؤمن کسی است که دو بار از یک سواخ گزیده نمی‌شود! اما اجازه دهید یادآور شوم، مدیران شما گویا اصرار بر آن دارند که زمینه دلخوری قوم بزرگ لر را دیگر بار برانگیخته و اسباب رنجش آنان را به تکرار فراهم آورند. همچنین اجازه دهید این ضرب‌المثل را در تکلمه به شرف‌ایاری‌ها روا کنم: «از تلاطون پشیمان گشته‌ام، مرحمت فرموده ما را بر نمی‌کنید.

به نظر می‌آید اگر آن رسانه طبق روال گذشته نسبت به تاریخ فرهنگ مردمان بختیاری بی‌توجه و کم‌لطف باشد، بهتر از آن است که با ساخت سریال‌های جعلی، غیرواقعی و موهن، موجبات سوءنیتی و انتفاع‌دهای از تهیه‌کنندگان و سازندگان را در اولویت قرار دهد. وانگهی بختیاری اجازه نمی‌دهد دیگران و غیرمتخصصان و ناآگاهان و کسانی که هیچ شناخت، اشراف و تعلق‌خاطری به بختیاری ندارند، برای آثار فیلم و سریال بسازند. قطعاً شما به‌عنوان مدیر رسانه ملی، این حق را به بختیاری‌ها می‌دهید که خود در ساخت، تولید و معرفی تاریخ و فرهنگشان که همواره در جهت حفظ کیان این سرزمین، نقش‌آفرین بوده، بیگانه برای آنان تاریخ‌نویسی و سراسر‌سازی نکنند. هرچند کارنامه درخشش جان‌فشانی آن مردم شریف در راه ایران خود گواهی تاریخی و اسنادی و نیز از سریال‌سازی‌های مدیران شماست.

چهار اطلاع به استحضار می‌رساند که نه تهیه‌کننده و نویسنده و نه مشاور و نه کارگردان سریال سیرعلی‌مردان بختیاری کهنه و کوجدن‌ترین شناختی نسبت به این فرهنگ و یرعه از تاریخ بختیاری ندارند. همچنین معتقد می‌شود که من نوشته‌شده توسط پژوهشگران و کارگردانان بختیاری‌تبار که خود از استادان و صاحب‌نظران این رشته هستند، مطالعه شده و در حقیقت تاریخی و زیست فرهنگی بختیاری و زندگی واقعی و مبارزات شهید حوزی‌علی‌مردان که همچنان مقودالطین است، در سراسر کارنامه و اندیشه و تیغلیت سینهایی آنان است و با شواهد تاریخی بختیاری تطابق ندارد.

به این وسیله از جناب‌عالی به‌عنوان مقام مسئول و پاسخ‌گو در مقام انتصاف و عدالت اظهار می‌روم نسبت به جلوگیری از تولید و ساختن این سریال فاساد فوری در دستور فرامیاید تا پیش از این موجبات دلسردی و نگرانی قوم لر و بختیاری فراهم نشود.

دروغ‌نویس: جناب آقای دکتر پرتکیان، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران،

—نماینده‌گان مردمان شریف استان خوزستان، لرستان، اصفهان و چهارمحال‌وبختیاری —
کمسیون مردم مجلس شورای اسلامی

فیلم کوتاه «دامچی» به کارگردانی نازنین جیست‌پاز و تهیه‌کنندگی حسن حبیب‌زاده، محصول مرکز فیلم‌های سوره، موفق به کسب جایزه ویژه و برنده زیست از جشنواره بین‌المللی جشنواره Short Films Festival & Asia در کشور ژاپن و این جایزه همواره به‌کارگیری وزارت بهداشت زیست ژاپن و هیئت ژاپن از جوانی محیط زیست (نچیم‌زور) اهدا می‌شود، به اثری تعلق می‌گیرد که پیام محیط‌زیستی آن بیش از دیگر آثار، هنرهای بختی، تاثیرگذار و آگاهی‌بخش ارزیابی شده باشد. «دامچی» به واسطه روایت ظالمانه و انسانی خود در مورد تخریب انبوه و بی‌مسئولیت‌های صنعت گردشگری و آلودگی‌های ناشی از توسعه صنعت گردشگر و به‌ویژه تخریب زیست‌توانست نظر هیئت داوران و مسئولان فرهنگی این رویداد را به خود جلب کند. جشنواره بین‌المللی فیلم Short Films Festival & Asia یکی از مهم‌ترین و معتبرترین جشنواره‌های فیلم کوتاه در آسیاست که تا سال ۱۹۹۹ در زاین برگزار می‌شود. این جشنواره در سال ۲۰۰۴ مورد تأیید رسمی آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا (اسکار) قرار گرفت و آثار برگزیده آن واجد شرایط حضور در رقابت‌های اسکار می‌شوند. در سال ۱۳۸۱ این جشنواره از ۲۶ تا ۲۳ ت ۲۰۱۵ در شهر توکیو برگزار می‌شود و به‌عنوان اهدای جایزه نیز در تاریخ ۱۱ ژوئن برگزار خواهد شد. این جشنواره با هدف کشف استعدادهای نو، ترویج تنوع فرهنگی و حمایت از سینمای مستقل، به نمایش آثار کوتاه در بخش‌های مختلف ازجمله داستانی، انیمیشن، تجربی و محیط زیست می‌پردازد. روبرگرد بین‌المللی و تمرکز آن بر مسائل همچون تغییرات اقلیمی، هویت، عدالت اجتماعی و تکنولوژی، از این جشنواره به‌سری تأثیرگذار برای تعاملات فرهنگی ساخته است. «نجات زمین» (Save the Earth! Minister) (Award) به فیلم کوتاه «دامچی» تعلق گرفت. یکی از جوایز ویژه و ارزشمند این جشنواره است که با همکاری دولت ژاپن و نهادهای محیط‌زیستی آن طراحی شده و بر آثاری تمرکز دارد که با زبان سینما، مسئولیت انسانی در قبال طبیعت و زمین را به تصویر می‌کشد. بخش بین‌الملل این فیلم کوتاه بر عهده مرکز بین‌الملل سوره است.

یکی از دفعه‌های نویسنده و کارگردان نمایش آن بود که مخاطب با این زبان به برخوردی خواداد داشت؟ یا اینکه نویسنده گاهی در سمت متن آرکایک برفته، چون فکر کرده اگر متن کامل آرکایک باشد، ممکن است انتخاب کارگردار باشد. سعی کرده زبان بینایی بین محاوره و زبان تاریخی انتخاب کند که هم در حوزه ادبیات برای خودش جالبش داشته باشد و هم برای مخاطب قابل فهم‌تر باشد. هم اینکه قابل باور باشد؛ چراکه یک کار تاریخی را روی صحنه می‌برد. من شب‌های زیادی در سالن نشستم و بارها این کار را دیدم، متوجه شدم خیلی جاها حتی همین دیالوگ‌ها برای بعضی مخاطبان گاهی نامفهوم بود و هر چند به نظر دیالوگ‌ها خیلی قابل فهم و ساده‌اند.

از این موضوع هم صحبت کنید که شما دست‌انداخت در کنار سایر فعالیت‌های هنری، تهیه‌کنندگی تئاتر را انجام می‌دهی. منوچاه کم تئاتر خاسگاه شماس و این سال‌ها اصلا خودت را در تئاتر جدا کرده‌ای، فکر کنم حتی بیشتر از اینکه در تصویر دیده شوی، همیشه سعی کردی تئاتر در جریان کار هنری تو جریان ده‌فمن‌تر و عمیق‌تر باش. حضور در کنار گروه‌های جوان یکی از نمودهای از گذاری شما در تئاتر است. بیشتر دوست دارم درباره این انتخاب صحبت کنی که اساسا چه شد انتخاب کردی کنار گروه‌های تئاتری باشی و در فضایی عموما مردانه تهیه‌کنندگی تئاتر، به عنوان تهیه‌کننده زن چه تجربه‌ای داری؟

اول اینکه من خیلی خودم را پیش‌گسوت نمی‌دانم. این گروه هم ممکن است به واسطه اجرای اخیر برای مخاطب شناخته شده باشد، ولی تک‌تک آن نگاه دیگری، جهانی است که انسان‌ها به رفتار مستندانه خود گرفته‌اند و همکاری کرده‌ام، اما مدتی است با گروهی کار می‌کنم که به نظر خیلی توانمند و باسوادم. در روزگاری که خیلی سخت می‌توان آدم‌های مسلیقه و نو‌دفعه را پیدا کرد، باید‌کرد، باید‌کرد گروه و آدم‌هایی که بتوان با آنها ارتباط برقرار کرد و حتی با آنها یاد گرفت. خیلی ارزشمند است. به واسطه شناخته‌شده بودن که خاصیت سینما و سریال‌هاست، اصولا این تصویر پیش می‌آید که بازیگران شناخته‌شده باعث دیده‌شدن بیشتر نمایش‌ها می‌شود. ولی من معتقدم که باید اناب و شکل نمایش جذاب و بازی بازیگران توانمند برای مخاطب تشنه تئاتر واقعی که به دنبال طعم جدید و غیرتکراری آید، ایجاد

می‌خواهد بداند شما در این‌همه سال که در سینما و تئاتر کار کردی، تجربه می‌کنی؟ و سعی کردی نقش‌های متفاوت بازی کنی یا یکی خواسته‌های ایستادی، حلال دزدگی دقیقا چیست؟

در پاسخ به بخشی از پرسش‌ت تو درباره تهیه‌کننده زن در تئاتر نیز باید بگویم اصولا زن‌بودن را فقط در فضای تئاتر یا سینما نمی‌توان بررسی کرد. زن‌بودن را باید به‌طور کلی در این سرزمین و فرهنگ بررسی کرد که به بخش دیگر آن به زیست هنرمند مربوط می‌شود. می‌توانم با آلمیسان بگویم، بسیاری از هنرمندان (هنرمند آن آن جهت که به هر حال کار هنری می‌کنند، البته هرکسی که کار هنری انجام می‌دهد از نظر من لزوما هنرمند نیست. ولی به هر حال آسمان هنرمند است، چیز دیگری نمی‌شود به این گفت). کسانی که کار هنری انجام می‌دهند، خیلی به سلیقه مخاطب نیاز داده‌اند. مخاطب عموما هنرمند شده است، یعنی خیلی باید بداند و به تمایز این هنرمند بیندیشد. اما هنرمند نباید فکر کند که مردم چه می‌خواهند و برای کسب درآمد و جلب تماشاگر تن به سلیقه مخاطب دهد. به نظر من، در گذشته هیچ‌وقت چنین اتفاقی در تئاتر و سینما نمی‌افتاد. هنرمندان با این فکر نمی‌کردند که مخاطب می‌خواهد و ما آن چیزی را که او می‌خواهد به او می‌دهیم؛ بلکه به این فکر می‌کردند که چگونه می‌توانند سلیقه مخاطب را ارتقا دهند. حضور می‌توانند به مخاطب آگاهی دهند. حضور می‌توانند مخاطب را تزیین و تشویق کنند که بخواند، بیندیشد، بداند و با این هنری‌شان علاوه بر لذت هنری، یک پیام، آگاهی و تفکر را به او عرضه کنند. خوب، ما سلیقه‌گذار است و این سلیقه جنسیتی هم به‌طور بسیار زیاد است و می‌تواند در یک بحث مفصل به آن پرداخت.

از یک طرف هم مسئله سرباه است و خصوصی‌شدن تئاتر و سینما، وقتی سرمایه‌داران خصوصی وارد این حوزه می‌شود، معمولاً دانش و کنرش عجیبی دارد و انتظار هم از او نیست؛ چون انتظار که سرمایه‌گذار خصوصی دارد، آن است که سرمایه‌اش برگردد و این برای باعث به سودهای هنگفت است؛ اینکه ریسک هنرمند خیلی کم شود. یعنی هنرمند با مسئله‌ای مواجه می‌شود که احساس می‌کند سرمایه و تعهد نسبت به سرمایه‌گذار است و این سلیقه‌ها که ما در سطح می‌مانیم و کیفیت تزل پیدا می‌کند. گذشته از همه مسائل و مشکلاتی که هنرمندان آن دست و پنجه نرم می‌کنند، مثل مسئله مجوز، مسئله سانسور و همه این «هفت خان رستم» را باید رد کنند. مسئله دیگری که با آن روبرو هستیم، آموزش است که اساسا سیستم آموزشی درستی وجود ندارد و هنرمند در اینجا با ازموین و خطا و تجربه به دستاوردهای هنری می‌رسد نه از طریق سیستم آموزشی درست و به‌روز؛ از طرف دیگر موجهایی است که با مخاطب جوان و به‌اصطلاح نسل زد داریم. مخاطبان جوانی که با تکنولوژی رشد کرده و در آن مستغرقند تا شاید آشنایی با ادبیات و مضمون قدیمی، ادبیات، یا هنرهای نمایشی است. وقتی با جوان‌هایی روبرو می‌شویم که می‌بینیم حتی در جمله‌نهادی و املائی کلماتشان بهم می‌آید؛ یا کلمات سال‌هاست با ادبیات یگانه‌اند؛ همه اینها باعث می‌شود این سول‌ا ر از خودتان برسید که ما با چه مخاطبی طرفیم؛ برای مثال در نمایش «ورق‌آخیال» که این اجرا می‌کنیم،

ولی فکر می‌کنم حضور کسی که واقعا با تمام توان و انگیزه‌اش کنار این کار می‌کند، دست‌کم در تئاتر کمتر این موقعیت را داریم که دوستانی که اسم و رسمی هم دارند، به معنی واقعی دفعه‌های حمایت از گروه‌های تئاتری را داشته باشند. چون تئاتر اساسا کمتر فرصتی برای دیده‌شدن است.

مسئله نگاه و نظری است که نسبت به هنر و هنر وجود دارد. خیلی وقت‌ها از سینما دزددام و شاید به تئاتر تانه می‌برم، چون احساس می‌کنم این فضا کمی خسته‌تر، مستحکم‌تر است و برای من تجربه است که دوستانی که می‌توانند انتخاب تهیه‌کنندگی تئاتر، سلیقه‌ها را به مخاطب نشان بدهم. یعنی بگویم اگر بخوادم در کار بازی کنم یا تهیه‌کننده باشم، این معیارها برای من مهم است و دوست دارم با این جنبش از کارها دیده شوم و به نوعی من هم سعی می‌کنم با این انتخاب‌ها سلیقه‌ها را به مخاطب نشان بدهم. راستش سلیقه



جیست‌پاز

بی‌محتوا و مبتذل شده و گاهی حتی خنده‌دار هم نیست. کارگردان و بازیگران کم‌دی از جامعه هم عقب مانده و شوخی‌ها بسیار لوس و قدیمی است. مشکل هنرمند امروزه قبی‌بودن از مردم جامعه است. **«همیشه فکر می‌کردم و هنوز هم فکر می‌کنم بدون اینکه به لحن و اعتبارات بخرم، تجربه توانوستی سینمای کم‌دی و جدی را کنار هم ادامه بدهی و عموما دیدن کدام فیلم‌های کم‌دی لذت می‌بری. می‌خواهم بدانم رقت تو به سمت سینمای کم‌دی چطور اتفاق افتاد؟ چقدر کم‌دی‌های ایرانی را می‌بینی و انتخاب می‌کنی؟**

بازگردی را به این معنی که دیالوگ‌ها از این کار به کار دیگر نفیکر کنند، نمی‌دانم. فکر می‌کنم جذابیت بازیگری برای من بازی‌کردن در ژانرهای مختلف است. ما در سینمای کار می‌کنیم که اساسا ژانر در آن معنایی ندارد. الان دو ژانر در سینمای ایران موجود است؛ یکی ژانر سینمای من‌داورودی اجتماعی و دیگری سینمای کم‌دی و انتخاب از این دو خارج نیست. سینمای مثلا اجتماعی که دوستان روی آن اسم گذاشته‌اند، مگر چقدر فیلم‌نامه خوب در آن حوزه نوشته می‌شود؟ در سال چقدر ساخته می‌شود؟ چقدر مجوز است؟ چقدر اصلا نقش زن دارد و چقدر کارهای ویژه‌ای است؟ چقدر مجبور می‌گردد؟ چقدر از این فیلم‌ها را به من پیشنهاد می‌دهند؟ و در این میان

کم سینمای کم‌دی باقی می‌ماند که در انحصار عده‌ای است و من قبلا این را داشتم که به‌عنوان بازیگر زن می‌تواند کم‌دی هم بازی کند و مقبول واقع شود. ولی همین سینما هم گاهی برای من تبدیل به بتلاق شده است. عوامل متعددی وجود دارد برای دلزدگی و سخت‌شدن مسیر در این حرفه. **«فکر می‌کنی چه به بازیگری می‌توان گفت بازیگر مستقل و اساسا سینمای ایران با بازیگران مستقل چطور برخورد می‌کند؟**

اگران و بازیگرانی که به این معنی که دیالوگ‌ها از این کار به کار دیگر نفیکر کنند، نمی‌دانم. فکر می‌کنم جذابیت بازیگری برای من بازی‌کردن در ژانرهای مختلف است. ما در سینمای کار می‌کنیم که اساسا ژانر در آن معنایی ندارد. الان دو ژانر در سینمای ایران موجود است؛ یکی ژانر سینمای من‌داورودی اجتماعی و دیگری سینمای کم‌دی و انتخاب از این دو خارج نیست. سینمای مثلا اجتماعی که دوستان روی آن اسم گذاشته‌اند، مگر چقدر فیلم‌نامه خوب در آن حوزه نوشته می‌شود؟ در سال چقدر ساخته می‌شود؟ چقدر مجوز است؟ چقدر اصلا نقش زن دارد و چقدر کارهای ویژه‌ای است؟ چقدر مجبور می‌گردد؟ چقدر از این فیلم‌ها را به من پیشنهاد می‌دهند؟ و در این میان

«درباره سینمای اجتماعی که عمدتا در آن فعالیت می‌کنی که اغلب واکنش‌های خوبی از سمت مخاطب داشته و می‌توانم به عنوان یک منتقد سال‌های اخیر خیلی به شایسته درباره آن آسیب دیدم، فکر می‌کنم آثاری هم در این حوزه داشته که همیشه درباره آن صحبت کردی یا برخی از آنها ایستادی و برای تو تجربه‌های خوشایندی بوده‌اند. الان این فضا سینمای اجتماعی را چطور می‌بینی؟

به‌گویی، فاجعه. وضع اکران فیلم‌ها که بسیار بد است. خیلی از واکنش‌های خوبی از سمت مخاطب داشته و می‌توانم به عنوان یک منتقد سال‌های اخیر خیلی به شایسته درباره آن آسیب دیدم، فکر می‌کنم آثاری هم در این حوزه داشته که همیشه درباره آن صحبت کردی یا برخی از آنها ایستادی و برای تو تجربه‌های خوشایندی بوده‌اند. الان این فضا سینمای اجتماعی را چطور می‌بینی؟

به‌گویی، فاجعه. وضع اکران فیلم‌ها که بسیار بد است. خیلی از واکنش‌های خوبی از سمت مخاطب داشته و می‌توانم به عنوان یک منتقد سال‌های اخیر خیلی به شایسته درباره آن آسیب دیدم، فکر می‌کنم آثاری هم در این حوزه داشته که همیشه درباره آن صحبت کردی یا برخی از آنها ایستادی و برای تو تجربه‌های خوشایندی بوده‌اند. الان این فضا سینمای اجتماعی را چطور می‌بینی؟

جیست‌پاز

یادداشت

گوگل و پادشاه فریب‌خورده

محمد مهدی شرفیان رفعتی

داستان معروف «لباس جدید پادشاه» (The Emperors New Clothes) اثر هانس کریستین اندرسن، روایت دو کلاهبردار است که به پادشاه فیولاند لباسی فوق‌العاده خوش‌رنگانه که تنها انسان‌های باهوش قادر به دیدن آن هستند، در حالی که به واقع هیچ لباسی وجود ندارد و افراد نیز از ترس اینکه احمق خوانده نشوند، به رونق لباس تظاهر می‌کنند.

داستان از این قرار است که گوگل در ذیل نام خلیج فارس از واژه جلی نیز به‌طور هم‌زمان استفاده کرده است؛ ادعایی که به‌طور مستقیم تحریف تاریخ و جعل یک هویت ساختگی است و داستان معروف لباس پادشاه نیز در حقیقت، شرح حال افراد و نهادهایی نظیر گوگل است که نام جعلی برای خلیج فارس را به کار می‌برند؛ بی‌آنکه برای بیان حقیقت ارزشی قائل باشند. البته به احتمال فراوان همان‌گونه که در داستان اصلی نیز هیچ‌کس جرئت بازگوکردن حقیقت را نداشت، در قفره جعل نام تاریخی خلیج فارس نیز بسیاری از رسانه‌ها و نهادهای از ترس از دست دادن منافع مالی یا سیاسی، جرئت بیان حقیقت را پیدا نمی‌کنند.

متصور است که شرکتی مانند گوگل برای حفظ روابط با برخی کشورهای عربی و منافع تجاری است که حاضر به بیان دروغی به این آشکاری شده است؛ و‌گرنه چگونه می‌توان بیان داشت شرکتی که خود یکی از بزرگ‌ترین موتورهای سرچ و جست‌وجوگر در وب را مدیریت می‌کند، لگانون در متون رسانه‌ای رومی، فارسی و عربی که با هزاران سال پیش موجود است، با نام جعلی مانند سیوس پرسینکس، Persian Gulf یا خلیج فارس مواجه نشده باشد. مسلم است که اقدام گوگل و البته بابتی از آن نیز اظهارات رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، نتیجه یک معامله تجاری را بی‌توجهی ناپر‌عریسم است که برخی کشورهای عربی با سرمایه‌گذاری روی رسانه‌ها و شرکت‌های فناوری سعی در نهاده‌نسازی آن دارند. اینکه سیاست‌های دوگانه گوگل در به‌کاربردن نام خلیج فارس و نام جعلی آن یک خطای فنی یا است یا یک جهت‌گیری سیاسی، البته موضوع مهمی است؛ اما آنچه بیش از هر موضوع دیگری حائز اهمیت است، این است که جعل هویت فرهنگی و نقشه‌تغییر نام به‌عنوان بخشی از جنگ نرم برای حذف هویت ایرانی است. مسئله این است که اقدام نه‌تألی که اشتباه تاریخی، بلکه نوعی به‌حقافه تمدنی منطقه نیز محسوب می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جواب این اقدام یک استانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و استفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل است و گوگل باید در برابر آن پاسخ‌گو باشد. از سوی دیگر نباید از گذر این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های گوگل این خطا را تقویت می‌کنند و این موجی از ترویج نام جعلی را در بین آذهان عمومی موجب خرابی می‌شود.

جیست‌پاز